

Research Article

A Jurisprudential Analysis of Keeping All Kinds of Dogs from the Perspective of Islamic Denominations

Seyyed Hossein Noori¹

Saeed Sabouei Jahromi²

Received: 10/10/2022

Accepted: 27/03/2023



Abstract

Dogs have always served humans in hunting and guarding since thousands of years ago. In today's world, in addition to the aforementioned services, dogs play an important role in such things as discovering drugs and explosives, finding survivors, routing, diagnosing diseases, etc. In addition, some people bring dogs into their homes as a member of their family, provide part of their emotional needs with this animal, and treat some mental illnesses with them. Despite the expansion of relationship between humans and this animal, so far no independent research has been provided on the jurisprudence of keeping dogs. In the present article,

1. Assistant Professor, Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Faculty of Theology, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author). Sh.noori@ut.ac.ir.

2. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran. Sabouei.saeed@ut.ac.ir.

* Noori, S. H., & Sabouei Jahromi, S. (1402 AP). A Jurisprudential Analysis of Keeping All Kinds of Dogs from the Perspective of Islamic Denominations. *Journal of Fiqh*, 30(113), pp. 119-148. Doi:10.22081/jf.2023.65018.2568.

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited..

which was carried out with a descriptive-analytical method and using library data, this result was obtained after examining the arguments presented by the jurists of different Islamic denominations that according to the first ruling, it is permissible to keep all kinds of useful dogs and keeping non-useful dogs is Makrooh, contrary to the famous views of jurists who consider it haram, and in terms of the secondary ruling, titles such as harm, resemblance to infidels, and health hazards can turn the first ruling into haram or makrooh.

Keywords

Rulings of Dogs, Useful Dogs, Hunting Dogs, Guard Dogs, Dog Keeping.



مقاله پژوهشی

واکاوی فقهی نگهداری از انواع سگ‌ها از منظر مذاهب اسلامی

سعید سبویی جهرمی^۲

سید حسین نوری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

© Author (s)



چکیده

سگ‌ها از هزاران سال پیش، همواره در امر شکار و نگهداری در خدمت انسان‌ها بوده‌اند. در دنیای امروز نیز سگ‌ها علاوه بر خدمات پیش گفته، در اموری چون کشف مواد مخدر و مواد منفجره، یافتن زیرآوارماندگان، مسیریابی، تشخیص بیماری و ... نقش شایانی را ایفا می‌کنند. علاوه بر این برخی از افراد، سگ‌ها را به عنوان عضوی از خانواده خود وارد محل زندگی خود کرده و بخشی از نیازهای عاطفی شان را توسط این حیوان تأمین کرده و برخی از بیماری‌های روانی را با آن درمان می‌کنند. با وجود گسترش ارتباطات میان انسان و این حیوان، تا کنون تحقیق مستقلی در مورد حکم فقهی نگهداری از سگ‌ها ارائه نشده است. در نوشته حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شد، پس از بررسی ادله ارائه شده توسط فقیهان مذاهب گوناگون اسلامی این نتیجه به دست آمد که از جهت حکم اولی، نگهداری از تمامی انواع سگ‌های نافع جایز و نگهداری از سگ‌های غیرنافع بر خلاف نظر مشهور فقیهان که آن را حرام می‌دانند، مکروه است و از جهت حکم ثانوی عناوینی چون ایذاء، تشبه به کفار و خطرات بهداشتی می‌تواند حکم اولی را به حرمت یا کراهت مبدل سازد.

کلیدواژه‌ها

سگ، سگ‌های نافع، نگهداری، مذاهب اسلامی.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران
Sh.noori@ut.ac.ir (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Sabouei.saeed@ut.ac.ir

* نوری، سیدحسین؛ سبویی جهرمی، سعید. (۱۴۰۲). واکاوی فقهی نگهداری از انواع سگ‌ها از منظر مذاهب اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۳)، صص ۱۱۹-۱۴۸.
Doi:10.22081/jf.2023.65018.2568

مقدمه

انسان‌ها در طول تاریخ در پی رام‌ساختن و به کار گرفتن حیوانات برای بهبود شرایط زندگی خود بوده‌اند. سگ از جمله اولین حیواناتی است که از زمان‌های بسیار دیرین به استخدام انسان‌ها در آمده است. در برخی از گزارش‌های دینی آمده است که حضرت نوح علیه السلام برای حفاظت از کشتی در حال ساخت خود، به امر الهی برای اولین مرتبه از سگ‌های نگهبان کمک گرفت تا دشمنان نتوانند شبانه زحمت‌های او را هدر دهند. با صرف نظر از صحت و سقم این گزارش، قدمت به خدمت گرفتن سگ‌ها در زندگی انسان‌ها امری غیر قابل انکار است.

امروزه با پیشرفت دانش بشری، آموزش سگ‌ها و استفاده از آنها در امور گوناگون گستره بیشتری یافته است؛ به گونه‌ای که علاوه بر شکار و نگهبانی، سگ‌ها در اموری چون یافتن مواد مخدر، مواد منفجره، دستگیری اشرار، یافتن انسان‌های زیر آوار مانده، مسیریابی، تشخیص بیماری و ... نقشی بی‌بدیل دارند. علاوه بر این برخی از افراد از سگ‌ها به عنوان همدمی باوفا و بی‌آزار استفاده می‌کنند تا به نوعی خلأهای عاطفی خود را جبران کنند. با توجه به فراگیری به کارگیری سگ‌ها در زمینه‌های مذکور، پرسش‌های شرعی گوناگونی در باره سگ‌ها مطرح شده است. هدفی که این تحقیق دنبال می‌کند، یافتن حکم شرعی نگهداری از سگ‌های گوناگون است.

با وجود تلاش‌های علمی ارزنده‌ای که محققان در زمینه حکم معامله سگ‌ها داشته‌اند، پژوهش‌های معدودی در مورد حکم نگهداری از آنها ارائه شده است؛ از جمله مقاله «وضعیت فقهی نجاست و نگهداری از سگ در مذاهب اسلامی» نوشته محمد جمالی و مصطفی ذوالفقارطلب. تفاوت نوشته حاضر با مقاله یادشده این است که از سویی بخش عمده مقاله مذکور به بررسی حکم نجاست سگ‌ها پرداخته و حکم نگهداری از سگ‌ها را به طور اختصار بررسی کرده است. از سوی دیگر در مقاله مذکور حکم اولی نگهداری سگ‌ها از حکم ثانوی آن تفکیک نشده است و از جهت حکم ثانوی نیز تنها بر جهت نجاست آن تمرکز شده است؛ درحالی که عناوین ثانویه‌ای

چون ایداء، تشبه به کفار و خطرات بهداشتی نیز می‌تواند در ایجاد حکم ثانوی دخیل باشد که در نوشته حاضر به تفصیل مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

۱. تعریف سنگ و اقسام آن

سنگ یکی از انواع حیوانات چهارپا و از شاخه پستانداران است که زیرگونه اهلی گرگ‌ها محسوب می‌شود و از دسته حیواناتی است که به اصطلاح «سگسان» نامیده می‌شود. این حیوان از جمله اولین حیواناتی است که هزاران سال پیش به دست انسان‌ها اهلی شده است. سگ‌ها از متنوع‌ترین جانوران روی زمین هستند که انسان هزاران سال در روند جفت‌گیری و پرورش آن دخالت داشته است.

سگ‌ها دارای اقسام گوناگونی هستند، اما آن تقسیمی که در بحث فقهی حاضر دارای ثمره است عبارت است از:

الف. سگ‌هایی که دارای منافع عقلایی هستند و معامله آنها جایز است: این گروه از سگ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. سگ‌هایی که از زمان‌های گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در روایت‌ها نیز به آنها اشاره شده است، مانند کلب صید (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۸۷)، کلب ماشیه (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۳)، کلب حائط (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۳۱۰)، کلب زرع (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۷۸) و کلب خانه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۶۸).

۲. سگ‌هایی که در گذشته مورد استفاده نبوده‌اند و در روایت‌ها نامی از آنها برده نشده است، مانند سگ پلیس، سگ امداد و نجات، سگ مسیریاب و سگ بیماریاب.

ب. سگ‌هایی که دارای منافع عقلایی نیستند و معامله آنها جایز نیست، مانند کلب هراش (علامه حلی، ۱۳۸۸ق، ص ۴۱۶) و کلب عقور (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴).

در خصوص سگ‌های زینتی ذکر این نکته لازم است که بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، برای درمان برخی از بیماری‌ها مانند آلزایمر (Klimova, 2019, p. 5)، اضطراب (Andreas, 2009, pp. 145-148)، افسردگی (Muldoon, & et al., 2017, p. 6)، گوشه‌گیری

اجتماعی کودکان مبتلا به اوتیسم (Fung & leung, 2014, pp. 253-262) و برخی دیگر از اختلالات روانی، ارتباط با حیوانات به ویژه حیوانی چون سگ که با صاحبش پیوند عاطفی عمیقی ایجاد می‌کند، مؤثر خواهد بود؛ بنابراین به دلیل وجود جنبه درمانی می‌توان سگ‌های زینتی را نیز جزء سگ‌های نافع به حساب آورد.

۲. بررسی حکم اولی نگهداری از سگ‌ها

در این بخش حکم اولی نگهداری از سگ‌ها بررسی می‌شود به این معنا که بدون در نظر گرفتن حالات خاص، به واکاوی حکم مذکور پرداخته می‌شود؛ چون ممکن است عناوین ثانویه‌ای بر نگهداری این حیوانات عارض شود که موجب تغییر حکم اولی شود؛ به طور مثال با عروض عنوان تشبه به کفار ممکن است حکم اولی تغییر یابد؛ بنابراین ابتدا با صرف نظر از چنین عناوینی حکم نگهداری از سگ‌ها ارزیابی می‌شود.

۱-۲. حکم نگهداری از سگ‌های نافع

فقیهان مذاهب اسلامی همگی بر جواز نگهداری از سگ‌های نافع اتفاق نظر دارند (نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۵؛ ابن رشد، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۲۸۸؛ نووی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۳۴) و برای اثبات مدعای خود به چند دلیل استناد کرده‌اند:

دلیل اول: قرآن

آیه چهارم از سوره مائده: «يَسْئَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَكُمْ قُلُوبُ الْبَيْتِ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ»؛ از تو می‌پرسند که چیزی برای آنها حلال شده است؟ بگو چیزهای پاکیزه و شکاری که حیوانات آموزش دیده برای شما صید کرده‌اند، برای شما حلال است (مائده، ۴).

درباره سبب نزول این آیه ابورافع در حدیث صحیحی نقل کرده که پیامبر ﷺ مرا به کشتن سگ‌ها امر کرد. مردم به پیامبر ﷺ عرضه داشتند: ای رسول خدا کدام نوع از

سگ‌ها برای ما حلال است؟ سپس این آیه نازل شد (ابن البیع، ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۳۴۰).^۱

در این آیه خداوند شکارهایی را که توسط حیوانات آموزش دیده، از جمله سگ شکاری صید می‌شود حلال اعلام کرده است. از آنجا که استفاده از سگ شکاری برای صید کردن ملازمه با نگهداری آن دارد، می‌توان نتیجه گرفت که نگهداری سگ شکاری نیز جایز است. به عبارتی دیگر معقول نیست که شارع استفاده از یک حیوان برای شکار را جایز بداند، اما نگهداری از آن را جایز نداند.

البته با این استدلال تنها جواز نگهداری از سگ‌های شکاری ثابت می‌شود و برای اثبات جواز نگهداری دیگر سگ‌های نافع باید از الغای خصوصیت استفاده کنیم. با این توضیح که در روایت‌های مرتبط با معامله سگ‌ها و همچنین با توجه به بررسی تاریخی کارکرد سگ‌ها در عصر صدور روایت‌ها، این نتیجه حاصل می‌شود که سگ‌ها در آن زمان کاربردهای محدودی داشته‌اند که به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱. سگ‌هایی که در جهت عقلایی استفاده می‌شدند که عبارت‌اند از «سگ‌های نگهبان» و «شکاری»؛ ۲. سگ‌هایی که منفعت عقلایی نداشتند که شامل عنوان «کلب عقور» می‌شود.

هر چند اصل در عناوین این است که موضوعیت داشته باشند (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۰)، اما زمانی که فهم عرفی خصوصیتی برای عناوین قائل نباشد، می‌توان از اصل مذکور رفع ید کرد و قائل به الغای خصوصیت شد. در بحث سگ‌ها نیز عرف خصوصیتی برای شکار یا نگهبانی قائل نیست، بلکه آنچه از مجموع ادله فهمیده می‌شود این است که موضوع جواز، اعم از سگ‌های شکاری و نگهبان است و شامل هر سگی که منفعت عقلایی داشته باشد می‌شود و موضوع حرمت نیز اعم از کلب عقور است و شامل هر سگی که منفعت عقلایی ندارد می‌شود. اما دلیل این که چرا در روایت‌ها فقط

۱. حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ بَالَوَيْهٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ شَادَانَ الْجَوْهَرِيُّ، ثنا مَعْلَى بْنُ مَنصُورٍ، ثنا ابْنُ أَبِي رَائِدَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ أَبَانَ بْنِ صَالِحٍ، عَنِ الْقَعْقَاعِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ سَلْمَى، عَنْ أَبِي رَافِعٍ، قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَتْلِ الْكِلَابِ فَقَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَجَلٌ لَنَا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّتِي أَمَرْتَ بِقَتْلِهَا؟ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُجِلَ لَهُمْ قُلْ أُجِلَ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ، وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ».

به چند عنوان خاص از سگ‌های نافع اشاره شده این است که در آن عصر سگ‌ها کارکرد دیگری نداشته‌اند و طبعاً سخنان اهل بیت علیهم‌السلام و پرسش‌هایی که راویان در این زمینه مطرح می‌کردند، ناظر به همین عناوین خاص بوده است؛ بنابراین با توجه به آیه مورد بحث، نگهداری از تمام سگ‌های منفعت‌دار جایز خواهد بود.

دلیل دوم: روایت‌ها

فقیهان مذاهب اسلامی برای اثبات جواز نگهداری از سگ‌های نافع به روایت‌های متعددی تمسک کرده‌اند:

۱. در روایت صحیحی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است: «هیچ خیری در سگ‌ها نیست، به جز سگ شکاری و سگ نگهبان گله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵۲).^۱
این روایت با مفهوم حصر دلالت دارد بر اینکه سگ شکاری و سگ گله دارای خیر و منفعت هستند. منفعت سگ‌های شکاری در امر صید و منفعت سگ‌های گله در امر پاسبانی از دام‌ها تبلور می‌یابد که از دیدگاه شرع نیز چنین منافعی تأیید شده‌اند. از آنجا که بهره‌بردن از این سگ‌ها جز با نگهداری آنها امکان‌پذیر نیست، روایت مذکور به دلالت التزامی بر جواز نگهداری از آنها اشاره دارد. نکته‌ای که باقی می‌ماند این است که در این روایت از میان سگ‌های نگهبان تنها به سگ گله اشاره شده است و نامی از سگ زرع و حائط به میان نیامده است. با توجه به این نکته که لفظ «خیر» به منافع سگ‌ها اشاره دارد می‌توان این نتیجه را گرفت که تمام سگ‌های دارای منفعت عقلایی مشمول حکم جواز نگهداری می‌شوند؛ اگرچه در این روایت به دلیل شرایط خاص فضای صدور، تنها به دو نوع از سگ‌های نافع اشاره شده است. بنابراین حصر موجود در روایت حصری اضافی است و دلالتی بر خیرنداشتن دیگر سگ‌ها و عدم جواز نگهداری آنها ندارد. علاوه بر این با استفاده از الغای

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام: «لَا خَيْرَ فِي الْكِلَابِ إِلَّا كَلْبٌ صَيْدٍ أَوْ كَلْبٌ مَائِثِيَّةٌ».

خصوصیت که توضیح آن گذشت نیز می‌توان جواز نگهداری از همه سگ‌های نافع را اثبات کرد.

۲. ابوهریره از پیامبر اسلام ﷺ روایت کرده است: «کسی که سگی را نگهداری کند که برای شکار یا نگهداری از گله و زمین نباشد، هر روز یک قیراط از عمل او کاسته می‌شود» (بخاری، ۱۴۲۲ق ج ۳، ص ۱۰۳).^۱

این حدیث دلالت دارد بر اینکه نگهداری از سگ‌های شکاری، نگهداری گله و زراعت جایز است؛ چون برای نگهداری از چنین سگ‌هایی نقص در عمل رخ نمی‌دهد. با ضمیمه کردن نکته پیش گفته در باره الغای خصوصیت، حکم جواز نگهداری از سگ‌ها به همه سگ‌های نافع قابل تعمیم است.

۳. در حدیثی نقل شده است: جبرئیل نزد رسول خدا ﷺ آمد و برای ورود به منزل ایشان اذن خواست و پیامبر ﷺ نیز اذن ورود داد، اما جبرئیل وارد نشد. پیامبر اسلام ﷺ با مشاهده این صحنه از خانه خارج شد و علت داخل نشدن جبرئیل را جویا شد. جبرئیل پاسخ داد که ما فرشتگان به منزلی که در آن سگ یا تصویر باشد وارد نمی‌شویم. سپس پیامبر ﷺ دستور قتل همه سگ‌های مدینه را صادر کرد. پس از این ماجرا عده‌ای از ایشان در مورد شکار توسط سگ‌ها پرسیدند و پس از مدتی سکوت، وحی نازل شد که نگهداری از سگ‌های نافع جایز است؛ بنابراین نگهداری از سگ‌های شکاری و نگهداری از حکم سابق استثنا شد (طبرسی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۸).^۲

مضمون این روایت با اندکی اختلاف در برخی از کتب تفسیری و برخی از کتب

۱. حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ فَصَالَةَ: حَدَّثَنَا هِشَامٌ، عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي سَلَمَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَمْسَكَ كَلْبًا، فَإِنَّهُ يَنْقُصُ كُلَّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِهِ قِيرَاطًا، إِلَّا كَلْبَ حَرْثٍ أَوْ مَاشِيَةٍ».

۲. فِي الْحَدِيثِ أَنَّ جِبْرَائِيلَ نَزَلَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَوَقَفَ بِالْبَابِ وَاسْتَأْذَنَ فَأُذِنَ لَهُ فَلَمْ يَدْخُلْ فَخَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ مَا لَكَ فَقَالَ إِنَّا مَعَاشِرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا صُورَةٌ فَنَنْظُرُهَا فَإِذَا فِي بَعْضِ بُيُوتِهِمْ كَلْبٌ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَا أَدْعُ كَلْبًا بِالْمَدِينَةِ إِلَّا قَتَلْتُهُ فَهَرَبَتِ الْكِلَابُ حَتَّى بَلَغَتِ الْعُؤَالِي فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ الصَّيْدُ بِهَا وَقَدْ أَمَرْتُ بِقَتْلِهَا فَسَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَجَاءَ الْوَحْيَ بِأَقْتِنَاءِ الْكِلَابِ الَّتِي يَنْتَفِعُ بِهَا فَاسْتَنْتَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كِلَابَ الصَّيْدِ وَ كِلَابَ الْمَاشِيَةِ وَ كِلَابَ الْحَرْثِ وَ أُذِنَ فِي اتِّحَاذِهَا.

روایی گذشته تکرار شده است. هرچند دلالت این روایت بر جواز نگهداری از سگ‌های نافع روشن است، اما در هیچ یک از منابع روایی، سندی معتبر برای آن ذکر نشده، بلکه به صورت مرسل نقل گردیده است؛ بنابراین این روایت نمی‌تواند مدعی مذکور را ثابت کند و تنها به عنوان مؤید قابل استفاده است.

دلیل سوم: اجماع

برخی معتقدند که بر جواز نگهداری کلاب نافع اجماع وجود دارد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶)، اما این اجماع نمی‌تواند در این مسئله کارگشا باشد؛ چون اجماع در صورتی حجت است که تعبدی باشد، در حالی که این اجماع مدرکی است و مستند به ادله‌ای است که بیان شد.

دلیل چهارم: سیره

با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که سگ‌ها در امر صید و نگهبانی دارند، از زمان‌های بسیار دور انسان‌ها سگ‌ها را تعلیم داده و در امور گوناگون از آنها بهره می‌گرفتند. در روایتی نقل شده که اولین شخصی که از سگ برای نگهبانی استفاده کرد، حضرت نوح علیه السلام بود که برای حفاظت شبانه از کشتی خود، به وحی الهی از سگ‌ها استمداد جست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۲، ص ۵۲). این روش تا پس از ظهور اسلام نیز ادامه یافت؛ با این حال نهی‌ای از جانب معصومان در باره نگهداری از چنین سگ‌هایی صادر نشد (مجاهد، بی‌تا، ص ۲۷۸)، بلکه بر خلاف آن، روایت‌هایی در تأیید آن نیز صادر شد. نگهداری و تربیت سگ‌های نافع نه تنها در میان غیرمسلمانان، بلکه در میان مسلمانان نیز یک سیره مستمر بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت هم سیره عقلا و هم سیره متشرعه بر جواز نگهداری از سگ‌های نافع دلالت دارد.

دلیل پنجم: ملازمه میان جواز معامله و جواز نگهداری

در جای خود اثبات شده که معامله همه سگ‌هایی که دارای منافع عقلایی هستند

جایز است^۱ و وقتی شارع مقدس مالیت آنها را تأیید کرده باشد، به دلالت التزامی می‌توان چنین نتیجه گرفت که نگهداری آنها نیز جایز است؛ چون در مواردی که معامله یک چیز مستلزم نگهداری آن است، معقول نیست که معامله جایز باشد، ولی نگهداری آن ممنوع باشد. به عبارت دیگر غرض معامله بسیاری از چیزها تنها با نگهداری از آنها محقق می‌شود و اگر قرار باشد نگهداری آنها ممنوع شود، معامله آنها نیز لغو و بیهوده خواهد بود. سگ‌ها نیز از مصادیق چنین مواردی هستند که خرید و فروش آنها به نیت استفاده در اموری است که ملازمه با نگهداری آن دارد؛ بنابراین میان جواز معامله سگ‌ها و جواز نگهداری آنها ملازمه برقرار است.

۲-۲. حکم نگهداری از سگ‌های غیر نافع

منظور از سگ‌های غیر نافع سگ‌هایی چون سگ ولگرد و کلب عقور است. هرچند در محل خود ثابت شده که معامله سگ‌های غیر نافع جایز نیست، اما برخلاف آنچه گفته شد مبنی بر اینکه جواز معامله سگ‌ها با جواز نگهداری آنها ملازمه دارد، از لحاظ قواعد فقهی عدم جواز معامله یک چیز ملازمه‌ای با عدم جواز نگهداری آن ندارد؛ برای مثال یک دانه گندم را نمی‌توان خرید و فروش کرد؛ چون مالیت ندارد، اما نگهداری آن جایز است؛ بنابراین کسی نمی‌تواند ادعا کند که به دلیل عدم جواز معامله سگ‌های غیر نافع، نگهداری از آنها نیز ممنوع است و باید دلیل دیگری بر این امر اقامه کند. در مورد نگهداری از سگ‌های غیر نافع سه دیدگاه در میان فقیهان مذاهب اسلامی وجود دارد: الف. حرمت، ب. جواز، ج. کراهت.

الف. بررسی قول اول: حرمت

فقیهان مالکی، شافعی، حنبلی، برخی از فقیهان حنفی (نووی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۳۴) و

۱. نویسندگان در مقاله دیگری با عنوان «واکاوی فقهی دادوستد سگ‌ها از منظر مذاهب اسلامی با تأکید بر حکم سگ‌های نافع امروزی» که در نشریه علمی-پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی منتشر شد، این مطلب را به تفصیل ثابت کرده‌اند (نوری و سبویی جهرمی، ۱۴۰۱).

مشهور فقیهان امامی (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۵۸) نگهداری سگ‌های غیرنافع را جایز نمی‌دانند. دلیل آنها بر این ادعا عبارت است از:

دلیل اول: روایت‌ها

۱. شیخ کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: «کراهت دارد که در خانهٔ مسلمان سگ وجود داشته باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵۲).^۱ کراهت در روایت‌ها به معنای حرمت است؛ بنابراین روایت بر حرمت نگهداری از سگ دلالت دارد.

این روایت از جهت سندی معتبر است، اما از جهت دلالتی نمی‌توان دلالت آن را بر حرمت پذیرفت؛ چون لفظ «کراهت» در روایت‌ها هم به معنای کراهت اصطلاحی به کار رفته (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۶؛ ج ۳، ص ۳۶۸؛ ج ۵، ص ۴۹۸) و هم به معنای حرمت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، صص ۱۱۵-۱۱۶، ۱۶۵) و تعیین معنای آن با کمک قرائن انجام می‌شود. از جمله روایت‌هایی که در آن کراهت به معنای حرمت به کار رفته روایت زیر است:

حلی از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی پرسید که غذا را احتکار کرده و منتظر بالا رفتن قیمت آن می‌ماند، آیا این کار جایز است؟ امام علیه السلام فرمودند: «اگر غذا به قدری زیاد است که به همهٔ مردم می‌رسد اشکالی ندارد، اما اگر غذا کم است و همهٔ مردم را تأمین نمی‌کند، مکروه است که غذا را احتکار کند و مردم را بدون غذا رها کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۵).^۲ در این روایت احتکار مردم در زمان قحطی مکروه دانسته شده است که به معنای حرمت است.

۱. علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن الحلبی عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «يكره أن يكون في دار الرجل المسلم الكلب».

۲. علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن الحلبی عن ابي عبد الله عليه السلام قال: سأله عن الرجل يحتكر الطعام و يترصص به هل يجوز ذلك فقال: «إن كان الطعام كثيراً يسع الناس فلا بأس به و إن كان الطعام قليلاً لا يسع الناس فإنه يكره أن يحتكر الطعام و يترك الناس ليس لهم طعام».

در برخی از روایت‌ها نیز کراهت به معنای اصطلاحی آن به کار رفته است: حلبی از امام صادق علیه السلام در باره نماز در مساجد مسقف پرسید که آیا کراهت دارد؟ امام علیه السلام فرمودند: «آری» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۶۸).^۱

نماز خواندن در مسجد مسقف به اتفاق فقیهان حرام نیست و کراهت در این روایت به معنای اصطلاحی خود به کار رفته است.

با توجه به مطالب بالا نتیجه گرفته می‌شود که لفظ کراهت در روایت‌ها، هم به معنای حرمت آمده و هم به معنای کراهت اصطلاحی و معنای آن با کمک قرینه معین می‌شود و به صرف وجود لفظ کراهت نمی‌توان از روایت مورد بحث، حرمت نگهداری از سگ‌ها را برداشت کرد.

۲. روایت‌های عدم دخول ملائکه: در برخی از روایت‌ها وجود سگ در خانه به عنوان مانعی از ورود فرشتگان معرفی شده است. به عنوان نمونه در روایتی امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: ما فرشتگان در خانه‌ای که سه چیز باشد وارد نمی‌شویم: سگ، تصویر بدن و ظرفی که در آن بول می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۹۳).^۲ همین مضمون در روایت‌های اهل سنت نیز آمده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۱۴).^۳

از جهت سندی این روایت معتبر نیست؛ چون یکی از رجال سند آن، شخصی به نام محمد بن مروان است که وثاقت او ثابت نیست، بلکه مردد میان ثقه و ضعیف است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۵، ۳۶۰). با صرف نظر از اشکال سندی، این روایت از جهت دلالتی نیز

۱. علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن عثمان عن الحلبي قال: سئل ابي عبد الله عليه السلام عن المساجد المظلمة أ يكره الصلاة فيها قال: نعم.

۲. أبو علي الأشعري عن مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ مُشْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «إِنَّ جِبْرَائِيلَ عليه السلام أَتَانِي فَقَالَ إِنَّا مَعَاشِرُ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ وَلَا نَبْتٌ وَلَا جَسَدٌ وَلَا إِنَاءٌ يَبَالُ فِيهِ».

۳. حَدَّثَنَا ابْنُ مِقَاتٍ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَحْبَرَنَا مَعْمَرٌ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَمِعَ ابْنَ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبَا طَلْحَةَ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ تَمَائِيلُ».

مخدوش است؛ چون داخل نشدن ملائکه به خانه، در حقیقت سلب یک توفیق و محروم شدن از یک فضیلت است و دلالتی بر حرمت ندارد، بلکه تنها کراهت اصطلاحی را می‌رساند.

۳. روایت‌های کاسته شدن از پاداش: در برخی از روایت‌ها نگهداری از سگ عامل کاسته شدن اعمال دانسته شده است؛ به طور مثال در روایت موثقی زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «هر کس سگی را نزد خود نگهداری کند، هر روز یک قیراط از پاداش اعمالش کاسته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵۲).^۱ در روایت‌های اهل سنت نیز همین مضمون وجود دارد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۸۷؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۲۰۱؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۱۶، ص ۱۱۷).

برخی با استناد به این احادیث گفته‌اند نگهداری از سگ‌ها فقط در منافی چون صید و نگهداری جایز است، در غیر این صورت نگهداری از آن حرام است (ابن دقیق، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۹)؛ چون اگر کسی چنین کاری کند، بر اساس این احادیث از پاداش اعمال او کاسته می‌شود و کاسته شدن اعمال، خود یک عقوبت است و هر امری که دلالت بر عقوبت کند حرام است (خلاف، بی‌تا، ص ۱۰۷).

در پاسخ به این استدلال باید به این نکته توجه داشت که میان کاسته شدن از ثواب و از بین رفتن اعمال (حبط عمل) تفاوت وجود دارد و گویا مستشکل این دو را مساوی فرض کرده است. حبط عمل به معنای از بین رفتن ثواب یک عمل به طور کامل که نتیجه اموری چون کفر (محمد، ۸-۹)، شرک (انعام، ۸۸)، انکار قیامت (اعراف، ۱۴۷)، ارتداد (بقره، ۲۱۷) و ... است؛ در حالی که در این روایت از نقص در اجرت کلام به میان آمده است. توضیح مطلب این است که اعمال واجب و مستحب دارای مراتب گوناگونی از ثواب است. اگر عملی با تمام شرایطش انجام شود، ثواب بیشتری به همراه دارد و به هر میزان که از شرایط مذکور تخلف شود، از ثواب آن نیز کاسته

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَضْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّخِذُ كَلْبًا إِلَّا نَقَصَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِهِ صَاحِبِهِ قِيرَاطًا».

می‌شود؛ بنابراین کسی که عمل واجب یا مستحبی را انجام می‌دهد، می‌تواند مراتب گوناگونی از ثواب را کسب کند. در این حدیث می‌فرماید اگر کسی از سگ نگهداری کند، از ثوابش کاسته می‌شود؛ یعنی اصل ثواب باقی است، اما مرتبه نازل‌تری از ثواب را دریافت می‌کند و چنین اثری با مبعوضیت خفیف سازگاری دارد و عقوبت محسوب نمی‌شود.

دلیل دوم: نجاست ذاتی

یکی از ادله حرمت نگهداری از سگ غیرنافع، نجاست ذاتی آن بیان شده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۳۵۹). به اعتقاد این گروه نگهداری از اعیان نجاستی که منفعتی نداشته باشد حرام است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶). در واقع ایشان نگهداری از اعیان نجس را به دو بخش تقسیم کرده‌اند: یکی به قصد منافع حلال و دیگری بدون قصد منفعت و اولی را جایز و دومی را حرام می‌دانند.

در پاسخ به این استدلال می‌توان گفت درست است که ادله‌ای برای جواز نگهداری از اعیان نجس به قصد استفاده در منافع عقلایی مانند نگهداری از خمر برای تبدیل به سرکه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۲۸) وجود دارد، اما این مطلب به معنای حرمت نگهداری از اعیان نجس بدون منفعت نیست و برای اثبات آن باید دلیل دیگری ارائه شود. ممکن است گفته شود در برخی از روایت‌ها از نگهداری نجاست منع شده است (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۳)^۱، اما به دلیل ضعف سندی، این روایت‌ها قابل استناد نیستند؛ بنابراین در این مورد که دلیلی بر حرمت وجود ندارد، با تمسک به اصل برائت جواز نگهداری نجاست از جمله سگ‌های غیرنافع، ثابت می‌شود.

ب. بررسی قول دوم: اباحه به معنای اخص

از برخی فقیهان نقل شده که نگهداری از همه سگ‌ها جایز است، حتی اگر منفعتی

۱. «... أَوْ شَيْءٍ مِنْ وُجُوهِ النَّجِيسِ فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مَنْهُى عَنْ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لَبْسِهِ وَ مِلْكِهِ وَ إِفْسَاكِهِ وَ التَّقَلُّبِ فِيهِ بِوَجْهِ مِنَ الْوُجُوهِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ فَجَمِيعٌ تَقْلَبُ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ...».

نداشته باشند (نووی، بی تا، ج ۹، ص ۲۳۴). این قول را می توان با ادله زیر مستند ساخت:

۱. در روایتی از صحیح مسلم آمده است: «طهارت ظروفی که سگ در آن تناول کرده است با هفت مرتبه شستن که اولین آن با خاک است، حاصل می شود (مسلم بن حجاج نیشابوری، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۴).^۱

با استناد به این حدیث گفته شده اینکه سگ ها به راحتی از ظروف انسان ها تناول کنند و در محل زندگی آنها رفت و آمد داشته باشند نشان می دهد که نگهداری از آنها جایز بوده، در غیر این صورت امکان چنین ارتباط نزدیکی میان انسان ها و سگ ها نبوده است (حسین محمد فاروق، ۱۴۴۲ق، ج ۴، ص ۳۲۵۸).

چند پاسخ به این استدلال می توان داد:

اولاً، اینکه سگ ها بتوانند از ظروف انسان ها تناول کنند، به این معنا نیست که سگ ها به وسیله انسان ها نگهداری می شده اند؛ چون ممکن است سگ های ولگرد از ظروفی که در محیط های غیر محصور مثل باغ و مزرعه و حتی محیط های محصور مثل خانه وجود دارد استفاده کنند؛ چنانکه گاهی در محیط های روستایی دیده می شود که سگ های ولگرد وارد خانه می شوند؛ بنابراین نهایت مطلبی که از این حدیث فهمیده می شود این است که سگ ها در اطراف محیط زندگی انسان ها رفت و آمد داشته اند و این ملازمه ای با نگهداری آنها ندارد.

ثانیاً، بر فرض که تناول سگ ها از ظروف انسان ها دلالت بر نگهداری آنها داشته باشد، اما این مطلب ملازمه ای ندارد با اینکه این سگ ها، سگ های غیر نافع باشند، بلکه ممکن است سگ های نافی چون سگ شکاری و سگ نگهبان باشند.

۲. در روایت موثقی نقل شده است: «رسول خدا ﷺ به اهل قاصیه اجازه داد تا از سگ نگهداری کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵۳).^۲ به این روایت چنین استدلال شده که

۱. حَدَّثَنَا زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هِشَامِ بْنِ حَسَّانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَبْرِينَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «طَهِّرُوا إِنَاءَ أَحَدِكُمْ، إِذَا وَلَعَ فِيهِ الْكَلْبُ، أَنْ يَغْسِلَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ، أَوْ لَاهَنَّ بِالْثَّرَابِ».

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَخَّصَ لِأَهْلِ الْقَاصِيَةِ فِي كَلْبٍ يَتَّخِذُونَهُ».

ترخیص نگهداری از سگ‌ها دلالت بر جواز آن دارد، اما نمی‌توان به طور مطلق این استدلال را پذیرفت؛ چون:

اولاً، در این روایت جواز تنها برای «اهل القاصیه» بیان شده است، نه همه مردم و با توجه به استعمالات لغوی ماده (ق، ص، و)، اهل القاصیه به کسانی اطلاق می‌شود که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۷۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۶۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۷۳).

ثانیاً، در این روایت حکم جواز با ماده «ترخیص» بیان شده که عبارت است از اذن پس از نهی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۸۵). با توجه به این مطلب می‌توان نتیجه گرفت که از نگهداری برخی سگ‌ها نهی شده است، اما از این روایت نمی‌توان فهمید که نهی به معنای مبعوضیت شدید است یا مبعوضیت خفیف.

بنابراین می‌توان گفت هرچند در این روایت «کلب» به صورت مطلق ذکر شده است، اما با دقت در سیاق روایت و توجه به تناسب حکم و موضوع، این مطلب برداشت می‌شود که تنها سگ‌هایی را می‌توان نگهداری کرد که برای نگهداری و حفاظت به کار می‌روند؛ چون در روایت نگهداری سگ تنها برای افرادی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند جایز دانسته شده و خصوصیت این مناطق وجود خطر حیوانات درنده و انسان‌های غارتگر است که ممکن است اهالی آن را به دلیل دورافتاده بودن و نبودن کمک‌های انسانی تهدید کند. در نتیجه از این روایت تنها جواز نگهداری سگ‌های نگهدارنده برای حفاظت از ساکنان مناطق دورافتاده برداشت می‌شود.

ج. بررسی قول سوم: کراهت

با توجه به اینکه ادله قول حرمت و اباحه ناتمام بود و برخی از ادله سابق دلالت بر کراهت داشت، قول مختار کراهت است. برای اثبات این قول چنانکه توضیح آن گذشت، می‌توان به احادیثی تمسک کرد که لسان آنها کراهت است؛ مانند روایت‌هایی که نگهداری سگ را موجب عدم ورود ملائکه و یا نقص در عمل می‌داند؛ با این توضیح که تعبیر عدم ورود ملائکه و کاسته شدن اجر برای فعل حرام به

کار نمی‌رود؛ چون ترک فعل حرام لازم است و به هیچ وجه ارتکاب آن جایز نیست و برای تحقق این امر باید از تعبیری الزام آور، مانند نهی یا تهدید به عذاب استفاده شود و کاسته شدن از ثواب و عدم ورود ملائکه چنین دلالتی ندارد، بلکه تنها از دست رفتن یک فضیلت و ثواب بیشتر را می‌رساند. در نتیجه این روایت‌ها نهایتاً دلالت بر کراهت دارد.

ممکن است این اشکال وارد شود که ادله دال بر کراهت نگهداری از سگ‌ها، شامل سگ‌های نافع نیز می‌شود؛ در حالی که در مباحث گذشته بیان شد که حکم آن، اباحه بالمعنی الأخص است. اما پاسخ به این اشکال با اندکی تأمل روشن می‌شود؛ چون در برخی از روایت‌هایی که کراهت از آنها استفاده شد، سگ‌های نافع استثنا شده بود؛ برای مثال روایت‌هایی که نگهداری از سگ را موجب کاسته شدن از اعمال می‌دانست، سگ‌های شکاری و نگهبان را استثنا کرده بود (بخاری، ۱۴۲۲ق ج ۳، ص ۱۰۳). علاوه بر این از برخی از روایت‌ها دال بر جواز نگهداری از سگ‌های نافع برداشت می‌شد که این نوع از سگ‌ها دارای خیر هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵۲) و خیرداشتن با کراهت نگهداری از آنها منافات دارد؛ بنابراین حکم کراهت تنها برای نگهداری از سگ‌های غیر نافع است و شمولی نسبت به سگ‌های دارای منفعت ندارد.

۳. عناوین ثانوی مترتب بر نگهداری از سگ

در بحث گذشته حکم اولی نگهداری از سگ‌ها مشخص شد. اما نگهداری از سگ‌ها به خصوص در محل‌های مسکونی عناوین ثانوی دیگری را نیز به همراه دارد که باید حکم آنها نیز روشن شود.

۱-۳. عنوان اول: ایذاء

یکی از عناوین ثانوی که در برخی موارد با نگهداری از سگ‌ها تلازم دارد ایذاء است. ایذاء از دو جهت ممکن است رخ دهد: الف. آزاری که سگ به دیگران می‌رساند؛ ب. آزاری که در اثر نگهداری از سگ به این حیوان می‌رسد.

الف. ایذای سگ به دیگران

نگهداری از سگ‌ها در منازل با توجه به صداهایی که ایجاد می‌کند، می‌تواند موجب آزار و اذیت همسایگان شود. علاوه بر این رفت و آمد سگ‌ها ممکن است موجب رعب و وحشت دیگران به خصوص کودکان شود و حرمت ایذاء در فقه امری مسلم است و نیازی به اثبات ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۳۵۰). خداوند متعال در قرآن کریم در مورد عقوبت آزاررساندن به مؤمنان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيٍ مَا كَتَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» و کسانی که مردان و زنان با ایمان را بی هیچ گناهی که مرتکب شده باشند، آزار می‌دهند به راستی بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش می‌کشند» (احزاب، ۵۸). در اثبات حرمت ایذاء همین آیه کفایت می‌کند؛ زیرا ایذاء را «گناهی آشکار» نامیده است.

روایت معتبری در کافی در مورد نگهداری از سگ وجود دارد که بر اساس یک احتمال می‌توان آن را بر همین صورت حمل کرد. در این روایت سماعه از امام علیه السلام پرسش می‌کند که آیا می‌توان سگ شکاری را در خانه نگهداری کرد یا خیر؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «اگر در را روی او ببندند، اشکالی ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵۲).^۱

در خصوص معنای جمله «إِذَا كَانَ يَغْلِقُ دُونَهُ الْبَابُ فَلَا بَأْسَ» دو احتمال وجود دارد:

۱. اگر سگ را ببندند تا برای دیگران مزاحمت ایجاد نکند، نگهداری آن اشکالی ندارد؛
۲. اگر سگ را ببندند و اجازه ندهند که در محیط خانه عبور و مرور کند و خانه و وسایل آن را نجس کند، در این صورت نگهداری آن مشکلی ندارد.

از مفهوم این جمله شرطیه به دست می‌آید که اگر سگ را نبندند و آن را رها بگذارند، نگهداری از آن با چنین وضعیتی اشکال خواهد داشت که می‌تواند اشاره به این مطلب داشته باشد که نگهداری از سگ نباید موجب آزار دیگران شود.

۱. عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ كَلْبِ الصَّيْدِ يَمَسُّ فِي الدَّارِ قَالَ ﷺ إِذَا كَانَ يَغْلِقُ دُونَهُ الْبَابُ فَلَا بَأْسَ».

ب. ایذای خود سگ

برخلاف تصور کسانی که متمایل به نگهداری از سگ در منزل هستند و این کار را نوعی محبت و لطف به این حیوان می‌دانند، سگ‌ها بر اساس خلقتشان به طبیعت و محیط‌های باز تعلق دارند و محدود کردن آنها در حصار منزل و تحمیل کردن سبک زندگی انسانی بر آنها موجب دور شدنشان از خلقت طبیعی و در نتیجه آزار آنها می‌شود و حیوان آزاری به طور کلی در شرع اسلام عملی حرام و نکوهیده است. در روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «به صورت حیوانات ضربه نزنید؛ زیرا آنها خدا را ستایش می‌کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۳۸).^۱ در روایت‌ها نه تنها از آزار جسمانی حیوانات نهی شده، بلکه از رساندن آسیب‌های روحی به آنها نیز نهی شده است. در روایت صحیحی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که خطاب به مأمورین جمع‌آوری زکات فرمودند: «بین ماده شتر و طفل او جدایی نیندازید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۳۷).^۲ با توجه به این روایت‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هرگونه آسیب‌رسانی جسمی و روحی به حیوانات حرام است و در صورتی که نگهداری از سگ در خانه یا در محیطی غیر از محیط سازگار با طبیعت او موجب آزارش شود، مشمول این حکم خواهد بود.

۳-۲. عنوان دوم: تشبه به کفار

یکی دیگر از عناوینی که ممکن است بر نگهداری از سگ‌ها عارض شود، تشبه به کفار است. فرهنگ نگهداری از سگ‌ها در منزل از جمله سنت‌هایی است که از کشورهای غربی به جوامع اسلامی سرایت کرده است؛ لذا این سبک از زندگی می‌تواند تحت عنوان تشبه به کفار قرار گیرد. از آنجا که در باره حکم تشبه به کفار اختلافاتی

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «لَا تَصْرَبُوا الدَّوَابَّ عَلَى وُجُوهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ اللَّهِ».

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ يَقَعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مُصَدِّقًا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى بَادِيَتِهَا فَقَالَ لَهُ: «... فَأَوْعِزْ إِلَيْهِ أَنْ لَا يَحُولَ بَيْنَ نَاقَةٍ وَبَيْنَ فَصِيلِهَا وَلَا يَفْرُقَ بَيْنَهُمَا...».

وجود دارد (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۱۰۳؛ اشتهاودی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۳۵؛ سبحانی، بی تا، ص ۹۶) و بحثی جدید در فقه اسلامی به شمار می‌رود، در این بخش به طور مختصر در مورد این مسئله بحث خواهد شد. تشبه به کفار سه حالت می‌تواند داشته باشد: ۱. تشبه به کفار به نیت تبعیت از کفار و خروج از اسلام؛ ۲. تشبه به کفار تنها به نیت تبعیت از کفار؛ ۳. تشبه به کفار بدون نیت خروج از اسلام و تبعیت از کفار (جمعی از مؤلفین، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۵). اگر تشبه به کفار از قسم اول باشد، هیچ تردیدی در حرمت آن نیست؛ چراکه از مصادیق ارتداد است و از معاصی کبیره به حساب می‌آید. برخی از آیات قرآن به این امر اشاره دارند، از جمله: «و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین الیهدی و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی و نصله جهنم و ساءت مصیراً؛ هر کس که با فرستاده خدا مخالفت کند، پس از آنکه هدایت (واقعی) برای او روشن شد و از روش غیر مؤمنین پیروی کند، ما او را به گمراهی خود وامی‌گذاریم و وارد جهنم می‌کنیم و چه بد بازگشتی است» (نساء، ۱۱۵). در این آیه به صراحت به کسانی که از روش مؤمنان اعراض کرده و به پیروی از کفار روی آورده‌اند، وعده جهنم داده شده که یکی از علامات اعمال حرام است.

در خصوص قسم دوم نیز ادله بر حرمت چنین تشبیهی دلالت می‌کنند، از جمله آیه «و لا تتبع أهوائهم و احذرهم أن یفتنوک عن بعض ما أنزل الله إلیک؛ و از امیال نفسانی کفار پیروی نکن و بترس از این که نسبت به برخی از معارف و حیاتی تو را گمراه کنند» (مائده، ۴۹). در این آیه فعل «لا تتبع» صیغه نهی است که ظهور در حرمت تبعیت از کفار دارد.

اما اگر تشبه به کفار از قسم سوم باشد، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد، بلکه ادله ظهور در کراهت آن دارند؛ مانند روایت‌های زیر:

۱. شیخ کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام نقل کرده: «صحن خانه‌هایتان را جارو کنید و خود را شبیه یهودیان نکنید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۳۱).^۱ از این روایت چیزی

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدَانَ بْنِ مُشَلِّمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «اَكْتَسُوا أَفْنِيَتَكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْيَهُودِ».

بیشتر از کراهت استفاده نمی‌شود؛ چون جارو کردن خانه مستحب است و ترک آن حرمتی ندارد.

۲. شیخ صدوق به نقل از پیامبر اسلام ﷺ می‌گوید: «سبیل‌ها را کوتاه کنید و محاسن را بلند بگذارید و خود را شبیه مجوسیان نکنید» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۹۱).^۱ در این روایت نیز حکم تشبه به کفار در بلندی سبیل و کوتاهی محاسن در حد کراهت است. با این تفاسیر اگر نگهداری از سگ‌ها مصداقی از تشبه به کفار باشد، از این جهت در نهایت کراهت استفاده می‌شود و نمی‌تواند مستمسکی برای قول به حرمت باشد.

۳-۳. عنوان سوم: خطرات بهداشتی

یکی از عناوینی که می‌تواند موجب حرمت نگهداری از سگ‌ها شود، خطرانی است که این عمل از جهت بهداشتی در پی دارد. سگ‌ها در تمامی رده‌های سنی حتی در زمان تولگی، حامل میکروب‌هایی هستند که می‌تواند خاستگاه بیماری‌های گوناگونی باشد که سلامتی صاحبان خود را تهدید می‌کند (Robinson, & N Pugh, 2002, pp. 95-98). در این بخش به طور اختصار به برخی از این بیماری‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. **هاری:** بیماری ویروسی است که موجب مشکلات عصبی خطرناکی می‌شود و از طریق گزش حیواناتی چون سگ به انسان‌ها انتقال می‌یابد. سگ‌هایی که مبتلا به این بیماری هستند ممکن است به انسان‌ها حمله‌ور شوند و معمولاً پس از چند روز می‌میرند (جهانگیری، ۱۳۹۳، صص ۳۶-۳۸).

۲. **سالمونلوز:** این بیماری که از باکتری‌های سالمونلا ناشی می‌شود، به طور ویژه سلامت کودکان و سالخوردگان را تهدید می‌کند. یکی از راه‌های انتقال این بیماری، حیوانات خانگی از جمله سگ‌ها هستند.

۱. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ (رَضِيَ اللهُ عَنْهُ) قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ عُرَابٍ قَالَ حَدَّثَنِي خَيْرُ الْجَعْفَرِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «حُفُّوا الشَّوَارِبَ وَ اغْمُوا اللَّحَى وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْمَجُوسِ».

۳. **تب مالت:** نوعی بیماری باکتریایی است که در اثر تماس با حیوانات از جمله سگ‌ها انتشار می‌یابد. معمولاً سگ‌های مبتلا به این بیماری علائم خاصی ندارند (Miryan Margot Sánchez-Jiménez, 2020, p. 5).

۴. **کامپیلوباکتریوز:** این بیماری بیشتر از طریق مدفوع حیوانات بیمار به انسان‌ها منتقل می‌شود. این بیماری سلامتی همه افراد به ویژه افراد ضعیف را تهدید می‌کند و موجب بروز عفونت در حیوان و اسهال‌های خونی در انسان می‌شود.

۵. **سارکوپتیک:** یک نوع بیماری انگل پوستی است که از کنه‌های ریز ناشی می‌شود. سگ‌ها در اثر مجاورت با حیواناتی که مبتلا به این بیماری هستند، به این مشکل پوستی دچار می‌شوند و در صورت تماس با انسان آن را منتقل می‌کنند.

این موارد تنها بخشی از بیماری‌هایی است که می‌تواند از سگ‌ها به انسان منتقل شود. بیماری‌های دیگری نیز وجود دارد که از طریق آب دهان، مدفوع یا پوست این حیوان می‌تواند به انسان سرایت یابد؛ مانند: طاعون، لپتوسپیروز، عفونت کرم‌های قلاب‌دار، کاپنوسیتوگافا و عفونت کرم حلقوی (Robinson, & N Pugh, 2002, pp. 95-98).

از آنجاکه هر انسانی بر اساس حکم عقل و شرع موظف به حفظ جان خود می‌باشد (روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴، ص ۲۲۵)، لازم است که با دوری از این حیوانات خود را از عواقب خطرناک آن حفظ کند؛ بنابراین در صورتی که با نگهداری از سگ‌ها سلامت انسان در معرض خطر جدی قرار گیرد، می‌توان حکم به حرمت آن کرد.

نتیجه‌گیری

حکم فقهی نگهداری از سگ‌ها از دو جهت قابل ارزیابی است: یکی حکم اولی و دیگری حکم ثانوی. از جهت حکم اولی نگهداری از سگ‌هایی که دارای منافع عقلایی هستند، مانند سگ‌های شکاری، نگهبان، پلیس، امداد و نجات و ... مورد اتفاق فقیهان مذاهب گوناگون اسلامی است و برای اثبات آن به ادله‌ای چون آیه چهارم سوره مائده، روایت‌ها و سیره تمسک شده است. در مورد سگ‌هایی که منفعت عقلایی ندارند سه دیدگاه وجود دارد: حرمت، اباحه به معنای اخص و کراهت. پس از بررسی

ادله ارائه شده این نتیجه به دست آمد که بر خلاف نظریه مشهور که حرمت است، قول کراهت به صواب نزدیک تر است؛ چون در روایت ها نسبت به نگهداری از این سنگ ها از آثاری چون عدم دخول ملائکه و کاسته شدن اعمال کلام به میان آمده است که ظهور در کراهت دارد. از جهت حکم ثانوی نیز سه عنوان مورد بررسی قرار گرفت. عنوان اول ایذاء بود که در صورت عروض آن، نگهداری از سنگ ها حرام خواهد بود؛ چه ایذاء به دیگران باشد و چه به خود سنگ. عنوان دوم تشبه به کفار بود که نهایتاً کراهت از آن استفاده شد. عنوان آخر خطرات بهداشتی بود که در صورتی که خطری جدی سلامت انسان را تهدید کند، حکم اولی نگهداری از سنگ را به حرمت تبدیل می ساخت.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۵ق). عوالی اللثالی العریزة فی الأحادیث الدینیة (ج ۲، چاپ اول). قم: دار سید الشهداء علیّه السلام للنشر.
۲. ابن البیع، محمد بن عبدالله. (۱۹۹۰م). المستدرک علی الصحیحین (چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن دقیق، محمد بن علی. (بی تا). إحکام الأحکام فی شرح عمدة الأحکام (ج ۲، چاپ اول). قاهره: بی نا.
۵. ابن رشد، محمد بن أحمد. (۱۴۰۸ق). البیان و التحصیل (ج ۱۷، چاپ دوم). بیروت: دارالغرب الإسلامی.
۶. ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ (چاپ دوم). قم: جامعة مدرسیین.
۷. أحمد بن حنبل. (۱۴۲۱ق). مسند الإمام أحمد بن حنبل (ج ۱۶، چاپ اول). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۸. اشتهاودی، علی پناه. (۱۴۱۷ق). مدارک العروة (ج ۷، چاپ اول). تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
۹. اصفهانی، حسین بن محمد راغب. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: دارالقلم.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح بخاری (ج ۳، ۴ و ۷، چاپ اول). قاهره: المطبعة الکبری الأمیریة.
۱۱. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۲۷ق). صراط النجاة (ج ۹، چاپ اول). قم: دار الصدیقة الشهیة.

۱۲. جمعی از مؤلفین. (بی تا). مجله فقه أهل البيت علیهم السلام (ج ۱۰، چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۱۳. جهانگیری، فرهاد. (۱۳۹۳). بهداشت سگ باوفای من سلامت خانواده مهربان من (چاپ اول). تهران: نشر فرهاد جهانگیری.
۱۴. حسین محمد فاروق، علی محمود عیسی. (۱۴۴۲ق). حکم اقتناء الکلاب فی الفقه و القانون (ج ۴). دقهلیه: مجله كلية الشريعة و القانون بتفهننا الأشراف، ۴ (۲۳). صص ۳۲۸۹-۳۲۳۹.
۱۵. حسینی روحانی، سید محمد صادق. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق علیه السلام (ج ۲۴، چاپ اول). قم: دار الکتاب مدرسه امام صادق علیه السلام.
۱۶. حلی، ابن ادريس. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی (ج ۲، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. خلاف، عبد الوهاب. (بی تا). علم أصول الفقه (چاپ هشتم). قاهره: مكتبة الدعوة.
۱۸. خوانساری، سید احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (ج ۱، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۹. سبحانی، جعفر. (بی تا). رساله فی تأثیر الزمان و المكان علی استنباط الأحکام (چاپ اول). قم: بی نا.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام (ج ۱۰، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
۲۱. صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة (ج ۵، چاپ اول). بیروت: عالم الکتاب.
۲۲. طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۴۳۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار الأميرة.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی الفقه الإمامیه (ج ۲، چاپ سوم). تهران: مكتبة المرتضوية.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (ج ۱۰، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الإسلامية.

۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۸ق). تذکرة الفقهاء (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (ج ۱۵)، چاپ اول. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام (ج ۲، چاپ اول). قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.

۲۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۴، ۵، ۶، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية.

۳۰. مجاهد، سید محمد طباطبایی. (بی تا). کتاب المناهل (چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۳۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار (ج ۶۲، چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۳۲. مسلم بن حجاج نیشابوری. (بی تا). صحیح مسلم (ج ۱ و ۳، چاپ اول). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۳۳. نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۳ق). منية الطالب فی حاشية المكاسب (ج ۱، چاپ اول). تهران: المكتبة المحمدية.

۳۴. نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). رجال النجاشی (چاپ ششم). قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية مؤسسة النشر الإسلامي.

۳۵. نوری، سیدحسین؛ سبوی جهرمی، سعید. (۱۴۰۱). واکاوی فقهی دادوستد سگها از منظر مذاهب اسلامی با تأکید بر حکم سگهای نافع امروزی. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۵(۱)، صص ۲۳۷-۲۵۹.

۳۶. نووی، یحیی بن شرف. (بی تا). المجموع شرح المهذب (ج ۹، چاپ اول). بیروت: دار الفکر.

37. Andreas O. M. Hoffmann. (2009). Dog-assisted intervention significantly reduces anxiety in hospitalized patients with major depression, *European Journal of Integrative Medicine*, Volume 1, Issue 3, October, pp. 145-148.
38. Fung, Sc., Leung, A. Sm. (2014). Pilot Study Investigating the Role of Therapy Dogs in Facilitating Social Interaction among Children with Autism. *J Contemp Psychother*, 44, pp. 253–262. <https://doi.org/10.1007/s10879-014-9274-z>
39. Klimova, B., Toman, J. & Kuca, K. (2019). Effectiveness of the dog therapy for patients with dementia - a systematic review. *BMC Psychiatry*, 19, 276. <https://doi.org/10.1186/s12888-019-2245-x>
40. Miryan Margot Sánchez-Jiménez, Juan Jacobo de la Cuesta Zuluaga, Gisela María García-Montoya, Neha Dabral, Juan Fernando Alzate, Ramesh Vemulapalli, Martha Olivera-Angel. (2020). Diagnosis of human and canine *Brucella canis* infection: development and evaluation of indirect enzyme-linked immunosorbent assays using recombinant *Brucella* proteins, *Heliyon*, Volume 6, Issue 7.
41. Muldoon AL, Kuhns LM, Supple J, Jacobson KC, Garofalo R. (2017). A Web-Based Study of Dog Ownership and Depression Among People Living With HIV, *JMIR Ment Health*. 4(4).
42. Robinson, R. A., & N Pugh, R. (2002). Dogs, zoonoses and immunosuppression. *Journal of the Royal Society for the Promotion of Health*, 122(2), pp. 95–98.

References

1. A group of authors. (n.d). *Journal of Ahl al-Bayt jurisprudence* (1st ed., Vol. 10). Qom: Institute of Islamic jurisprudence on the religion of Ahl al-Bayt.
2. Ahmad bin Hanbal. (1421 AH). *Musnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal* (1st ed., Vol. 16). Beirut: al-Risala Institute. [In Arabic]
3. Allameh Heli, H. (1388 AH). *Tadzkirah al-Fuqaha* (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
4. Allameh Heli, H. (1412 AH). *Muntahi al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab* (1st ed., Vol. 15). Mashhad: Islamic Research Forum. [In Arabic]
5. Allameh Heli, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam Fi Ma'arifah al-Halal va al-haram* (1st ed., Vol. 2). Qom: Society of Teachers of Qom Islamic Seminary. [In Arabic]
6. Andreas O.M.Hoffmann. (2009). Dog-assisted intervention significantly reduces anxiety in hospitalized patients with major depression, *European Journal of Integrative Medicine*, 1(3), October, pp. 145-148.
7. Bukhari, M. (1422 AH). *Sahih Bukhari* (1st ed., Vols. 3, 4, 7). Cairo: al-Matba'ah al-Kubra al-Amiriya. [In Arabic]
8. Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat al-Qur'an* (1st ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
9. Eshtehardi, A. P. (1417 AH). *Madarik al-Urwat* (1st ed., Vol.7). Tehran: Dar al-Uswah le al-Taba'ah va al-Nashr. [In Arabic]
10. Farahidi, K. (1409 AH). *Kitab al-Ain* (2nd ed., Vols. 5, 4). Qom: Hejrat Publications. [In Arabic]
11. Fung, Sc., Leung, A. Sm. (2014). Pilot Study Investigating the Role of Therapy Dogs in Facilitating Social Interaction among Children with Autism. *J Contemp Psychother*, 44, pp. 253–262. <https://doi.org/10.1007/s10879-014-9274-z>
12. Heli, I. (1410 AH). *al-Sara'er al-Hawi le Tahrir al-Fatawa* (2nd ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]

13. Hossein Mohammad Farooq, A. M. (1442 AH). *Hukm Iqtina' al-Kalab fi al-Fiqh va al-Qanoon* (Vol. 4). *Daqalhiyeh: Kuliya al-Shari'a va al-Qanoon be Tafahona al-Ashraf*. 4(23). pp. 3289-3239. [In Arabic]
14. Robinson, R. A., & N. Pugh, R. (2002). Dogs, zoonoses and immunosuppression. *Journal of the Royal Society for the Promotion of Health*, 122(2), pp. 95–98.
15. Ibn Abi Jomhour, M. (1405 AH). *Awali al-La'ali al-Azeezah fi al-Ahadith al-Diniyeh* (1st ed., Vol. 2). Qom: Dar Seyyed al-Shuhada Le al-Nashr. [In Arabic]
16. Ibn al-Bai, M. (1990). *al-Mustadrak ala al-Sahihien* (1st ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya.
17. Ibn Babewayh, M. (1403 AH). *Ma'ani al-Akhbar* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
18. Ibn Daqiq, M. (n.d.). *Ahkam al-Ahkam fi Sharh Umdah al-Ahkam* (1st ed., Vol. 2). Cairo.
19. Ibn Rushd, M. (1408 AH). *al-Bayan va al-Tahsil* (2nd ed., Vol. 17). Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
20. Ibn Shuba, H. (1404 AH). *Tuhaf al-Uqool an Ale al-Rasoul* (2nd ed.). Qom: Society of teachers. [In Arabic]
21. Jahangiri, F. (1393 AP). *The health of my faithful dog, the health of my loving family* (1st ed.). Tehran: Farhad Jahangiri Publications. [In Persian]
22. Khalaf, A. (n.d.). *Ilm Usul al-Fiqh* (8th ed.). Cairo: Maktabah al-Da'awah.
23. Khansari, S. A. (1405 AH). *Jami al-Madarik fi Sharh Mukhtasar al-Nafi* (2nd ed., Vol. 1). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
24. Klimova, B., Toman, J. & Kuca, K. (2019). Effectiveness of the dog therapy for patients with dementia - a systematic review. *BMC Psychiatry*, 19, 276. <https://doi.org/10.1186/s12888-019-2245-x>
25. Koleyni, M. (1407 AH). *al-Kafi* (4th ed., Vols. 7, 6, 5, 4, 3, 2). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]

26. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar al-Jama'ah le Dorar al-Akhbar al-A'imah al-Athar* (2nd ed., Vol. 62). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
27. Miryan Margot Sánchez-Jiménez, Juan Jacobo de la Cuesta Zuluaga, Gisela María Garcia-Montoya, Neha Dabral, Juan Fernando Alzate, Ramesh Vemulapalli, Martha Olivera-Angel. (2020). Diagnosis of human and canine *Brucella canis* infection: development and evaluation of indirect enzyme-linked immunosorbent assays using recombinant *Brucella* proteins, *Heliyon*, 6(7).
28. Mojahed, S. M. T. (n.d.). *Kitab al-Manahil* (1st ed.). Qom: Alulbayt Institute.
29. Muldoon AL, Kuhns LM, Supple J, Jacobson KC, Garofalo R. (2017). A Web-Based Study of Dog Ownership and Depression Among People Living With HIV, *JMIR Ment Health*. 4(4).
30. Muslim bin Hajjaj Neishaburi. (n.d.). *Sahih Muslim* (1st ed., Vols.1 & 3). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
31. Naeini, M. H. (1373 AH). *Maniya al-Talib fi Hashiyyah al-Makasib* (1st ed., Vol. 1). Tehran: al-Maktabah al-Muhammadiya. [In Arabic]
32. Najashi, A. (1365 AP). *Rijal al-Najashi* (6th ed.). Qom: Jama'at al-Mudaresin fi al-Hawza al-Ilmiya Mu'asisah al-Nashr al-Islami. [In Persian]
33. Nawawi, Y. (n.d.). *al-Majmoo Sharh al-Muhadab* (1st ed., Vol. 9). Beirut: Dar al-Fikr.
34. Nouri, S. H., & Sabouei Jahromi, S. (1401 AP). A Jurisprudential analysis of dog trade from the point of view of Islamic religions with an emphasis on the ruling of beneficial dogs today. *Journal of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Law*, 55(1), pp. 237-259. [In Persian]
35. Rouhani, S. S. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq* (1st ed., Vol. 24). Qom: Dar al-Kitab of Imam Sadiq School. [In Arabic]
36. Sabzevari, S. A. (1413 AH). *Muhadab al-Ahkam fi bayan al-Halal va al-Haram* (4th ed., Vol. 10). Qom: Al Manar Institute. [In Arabic]

37. Sahib bin Ibad, I. (1414 AH). *al-Muhit Fi al-Lugha* (1st ed., Vol. 5). Beirut: Alam al-Kitab. [In Arabic]
38. Sobhani, J. (n.d.). *Risalah fi Tathir al-Zaman va al-Makan ala Istinbat al-Ahkam* (1st ed.). Qom.
39. Tabarsi, F. (1430 AH). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (1st ed., Vol. 3). Beirut: Dar al-Amirah. [In Persian]
40. Tabrizi, J. (1427 AH). *Sirat al-Nijat* (1st ed., Vol. 9). Qom: Dar al-Sediqah al-Shahida. [In Arabic]
41. Tousi, M. (1387 AH). *al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah* (3rd ed., Vol. 2). Tehran: al-Mortazavi School. [In Arabic]
42. Tusi, M. (1407 AH). *Tahzeeb al-Ahkam* (4th ed., Vol. 10). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]

